



اشتقاق چند واژه گیلکی

محمد حسن دوست (گروه زبان‌های ایرانی)

گویش گیلکی یکی از گویش‌های ایرانی نو و از گروه گویش‌های حاشیه دریای خزر است. ویژگی‌های آوایی این گویش نشان می‌دهد که به شاخه زبان‌های ایرانی شمال غربی تعلق دارد.

گویش گیلکی، مانند بسیاری از گویش‌های دیگر ایرانی رایج در محدوده جغرافیایی ایران، به سبب ارتباط روز افزون گیلک‌زبانان با فارسی‌زبانان و تأثیر فراوان زبان رسمی از طریق گسترش دامنه رسانه‌های گروهی، به تدریج در حال از دست دادن اصالت زبانی خویش است. بسیاری از لغات اصیل این گویش جای خود را به لغات زبان فارسی داده‌اند و احیاناً به بوتۀ فراموشی افتاده‌اند. نگارنده، در این مقاله، کوشیده است چند واژه گیلکی را، که بیشتر آنها در نزد نسل جوان از یاد رفته‌اند، مختصراً از نظر ریشه‌شناسی بررسی کند. این واژه‌ها عموماً از فرهنگ گیلکی گردآورده منوچهر ستوده (تهران ۱۳۳۲) و فرهنگ لغات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی گردآورده شادروان احمد مرعشی (تهران ۱۳۵۵) استخراج شده‌اند.

۱. آشتالو āštālu «هلو»

احتمالاً مرکب از ast->*ašt «استخوان، هسته» (قس فارسی آشتالنگ «استخوان پا؟») و ālu «آلو»؛ قس خوانساری helkuštā که احتمالاً مرکب است از halug>helk «آلو» (قس فارسی هلو، گیلکی خلی) و ast->*as t=*ušta «هسته». (WIrM I 358)

۲. آغوز āγuz «گردو» (ستوده)

مشتق از ایرانی *ā-gauzā- مرکب از پیشوند ā و *gauzā- مشتق از ریشه gauz- «گرد بودن، گروی بودن»؛ قس یدغا oγuzo «گردو» (<āgauzā>*)، فارسی گۆز. گونه دیگر ریشه gauz- gaud- است که از آن واژه‌های گود «گردو» در ترکیب گوداب، گوی (<gauda>*) و گنده «چانه خمیر» (<gundaka>*) با میانوند -n- در فارسی و گوده (← همین مدخل) در گیلکی باقی مانده است. (IIFL II 189)

۳. آجیک ajik «کرم»

مرتبط با اوستایی aži- «مار»، قس مازندرانی ažik «کرم»، یدغا iž «مار». (AiW 266, IIFL II 196, Ir. Dr. 24 n1)

۴. آروسه aruse «اشک»

مرتبط با اوستایی *asrū- «اشک» در ترکیب asrū - azan- «اشکریز، اشک‌بار»؛ قس فارسی نوآرس (> فارسی میانه: ars) کردی asr، بلوچی als. (CPD11, AiW222, Man.Ph1. 30)

۵. آش aš «له، کوبیده»

مشتق از اوستایی aša- «له شده، کوبیده» که خود مشتق است از ایرانی باستان *árta-، صفت مفعولی از ریشه ar- «خرد کردن، کوبیدن»؛ قس فارسی نوآرد (<árta>*). (AiW 239, KhS 22)

۶. اویر avir «گم، مفقود» (مرعشی)

مشتق است از ایرانی *a-vairya- که مرکب است از a پیشوند نفی و جزء دوم مرتبط با اوستایی *vīra- «زیرکی، هوش»؛ قس پشتو hēr؛ کردی bīr «گم، مفقود»؛ فارسی نوویر «احمق، نادان»؛ ویر، بیر «اندیشه، یاد، حافظه». (AiW 1454, 1858, EVP 30)

۷. ایژره izgere «جیع، داد و فریاد» (ستوده)

احتمالاً مشتق از ایرانی *uz-garaka- مرکب از پیشوند uz «بالا، بر» و *garaka- مشتق از

ریشه gar- «دادزدن، صدا کردن»؛ قس سغدی $j/zj'r$ (*žyār) > uz-gāra- «فریاد، جیغ» (فارسی دخیل ژغار)؛ پشتو žar•l «فریاد زدن، نالیدن» فارسی: آژیر (*ā- jarya-).
(KhS 412, SGS 38, EVP 105 IEO II 268)

۸. بورمه burme «گریه»

مشتق از ایرانی *brmaka که خود مشتق است از ریشه bram- «گریستن»؛ قس سکایی brem- «گریستن»؛ پارسی barm- «گریستن»؛ فارسی میانه bramand «گریه‌مند، گریان»؛ سنگسری borma «گریه»، خوانساری burmä «گریه».
(KhS 316, SGS 107, ELP 56, WIrM I 346)

۹. بیه biye «آب»

در ترکیب بیه پس و بیه پیش «(سرزمین‌های) این سوی آب و آن سوی آب (سپیدرود)»؛ قس گیلکی وایه vāye «آبشار» (ستوده)؛ تاکستانی vūye «آب». (HENNING TPS 1954 164)

۱۰. پختن pextan در وایختن «پچیدن» (ستوده)

مشتق از *pixta- صفت مفعولی از ریشه pič-/pik-؛ قس سنسکریت picati «خم کردن» در هم کشیدن، منقبض کردن». (KWA II 269)

۱۱. پُرد pord «پُل» (ستوده)

مشتق از ایرانی *prtū- که خود مشتق است از ریشه par- «عبور کردن، بدان سو رفتن»؛ قس اوستایی p•r•tu- «گذرگاه، معبر»؛ کردی purd. (AiW 851, 892)

۱۲. تونگوله tungule «تلنگر»

مرتبط با کلمه فارسی انگول یا انگُل «انگشت»؛ قس خوانساری tu nguläk؛ کلمه فارسی یاد شده احتمالاً مشتق است از اوستایی *aṅura- «عضو، اندام، انگشت»؛ قس سنسکریت aṅgūli- «انگشت»؛ مازندرانی engel؛ کاشانی engulī؛ گزی ǝngulī, ǝngolī.
(KWA I 21, AiW 1681f, Ir. Dr 151)

۱۳. جی جی jījī «پستان، پستانک» (ستوده)

مرتبط است با سکایی tcījsa «پستان، سینه»؛ سنگلجی čičī، اشکاشمی čučī؛ سربیکلی čüči، وخی čučī؛ فارسی و گیلکی چوچو. (IIFL II 387, KhS 140)

۱۴. چَل čal «چرخ» (ستوده)

مشتق از اوستایی čaxra- «چرخ»، در مورد تحول تاریخی čaxra- به «چَل» ← سل (staxra->).

۱۵. چَل čal «گِل» (ستوده)

مرتبط با خوارزمی čl- «ادرار کردن، شاشیدن»؛ اشکاشمی čal «گِل، لجن»؛ شُغنی čāl «لجن، باتلاق» روشنایی čāl «گِل» بختیاری čel، čil «گودال آب». (Schwartz M. ZDMG 120 1970 301)

۱۶. دَوارستن davārastan «عبور کردن، گذشتن» (مرعشی)

مشتق از اوستایی dvar- «رفتن»؛ قس فارسی میانه dvāristan «دویدن، حرکت کردن». (KWA II 73, AiW 765)

۱۷. رَش raš «وَرزا، گاو نر» (ستوده)

احتمالاً مشتق از اوستایی aršan- «نر (در مورد انسان یا حیوان)». (AiW 203)

۱۸. ری rey «پسر»

مشتق از ایرانی *raita- که خود مشتق است از ریشه rai- «رشد کردن، بالیدن»؛ قس سکایی rya «جوان»، -rī- در ترکیب: hūrī «جوان»، (> hu-raita- *لفظاً «نیک بالیده، نیک رشد کرده» یعنی «جوان، برومند»؛ فارسی نو ریدک (> فارسی میانه rētak «جوان، غلام»). (KhS 176, 492)

۱۹. زاما zāmā «داماد» (ستوده)

مشتق از اوستایی zāmātar- «داماد»؛ قس پشتو zūm؛ یدغا zamai؛ سنگلجی z•mū؛

پراچی zāmā؛ بلوچی zāmaθ؛ گزی zūmā؛ خوانساری zumā.
(WIrM II 755, EVP 102, AiW 1689, IIFL I 302, KhS 345)

۲۰. زیجی zījī «گاو شیرده» (مرعشی)

احتمالاً مشتق از ایرانی -azi-čī-kā*؛ قس اوستایی -azi «حامل، باردار (در مورد گاو ماده و مادبان)»؛ از نظر ساخت قابل مقایسه است با سریکلی vārj «مادیان» (>-bāračī* مشتق از -bāra* «حامل، برنده»). (AiW 228, Ir.Dr. 13)

۲۱. سَبِج sabaǰ «شپش» (ستوده)

مشتق از اوستایی: -spiš «شپش»؛ قس فارسی میانه spuš, spiš؛ پشتو sp•ž a؛ سُغنی sepaž. (IIFL I 406, AiW 1625, EVP 69)

۲۲. سردی sardi «نردبان» (ستوده)

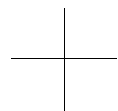
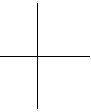
مرتبط با ریشه اوستایی -sar «به هم پیوستن، متصل کردن»؛ قس فارسی میانه sard «نردبان»؛ خوانساری salt, satl؛ سیوندی sid (> *sald > *sabl > *sidl)؛ گزی s̄art. (JA8/970 [1971] 87-9, WIrM I 380, II 732, III 342)

۲۳. سَل sal «استخر» (ستوده)

مشتق از اوستایی -staxra «استوار، محکم» که خود مشتق است از ریشه -stak «محکم بودن، مقاومت کردن»؛ تحول تاریخی کلمه -staxra را به «سَل» می توان چنین نشان داد: -staxra < *stal (مانند -čaxra < چَل) < *issal < sal؛ قس فارسی نو استل؛ گزی salx؛ خوانساری esseil, issel؛ میمه ای estāl. از نظر معنایی، قابل مقایسه است با سکایی -pastā «استخر، آبگیر»، مشتق از هندو اروپایی: -pasto* «استوار، محکم». (KhS 226, WIrM I 360, II 731)

۲۴. سوبول subul «کیک» (ستوده)

قس اشکاشمی s•pul, s(•)p•l؛ سنگلجی sp•l. مرتبط است با اوستایی -spiš (← سَبِج).



۲۵. شَتره šatare «ترکه و چوب نازک» (ستوده)

احتمالاً مرتبط با اوستایی -aštrā «تازیانه، شلاق» که خود مشتق است از ریشه az- «راندن»؛ قس فارسی میانه aštar «تازیانه». (AiW 263, CPD 13)

۲۶. شوکول šukul «نوعی موش خرما» (ستوده)

احتمالاً مشتق از اوستایی -sukur•na «جوجه تیغی»؛ قس فارسی میانه sukur؛ پشتو škūn, škōn؛ پراچی šuγur؛ کردی sīxūr؛ فارسی نو سُنْگَر، سُنْگَرنه، شُغُر، سیخور. (AiW 1582, GNE 744, EVP 73, IIFL I 290)

۲۷. کُر kor «دختر» (ستوده)

مشتق از ایرانی -kurna* که خود مشتق است از ریشه kur- «زاده شدن، تولد یافتن»؛ قس کردی kur, kurr «پسر»؛ فارسی نو کره (*kurnaka-)؛ گیلکی کورکی korki «دختر». (Bailey TPS 1953 39, JRAS 1953 115)

۲۸. کله kale «اجاق، آتشدان گلی» (ستوده)

مشتق از ایرانی -karaka* که خود مشتق است از ریشه kar- «ساختن، درخشیدن، گرم کردن»؛ قس اصفهانی kelek؛ کردی kārāk «آتشدان»؛ گزی kilāk؛ فارسی نو کلک «آتشدان، منقل». (Eilers, W, «Herd und Feuerstätte in Iran», 317ff, WIrM II 688)

۲۹. کوته kute «توله، توله سگ» (ستوده)

مشتق از ایرانی میانه *kōtak «کودک، جوان، کوچک»؛ قس سغدی kwty «سگ»؛ سنگلجی kuḏ؛ شغنی kud؛ گیلکی سکوده و سکوده زای (sakude) «توله سگ» (>sag-kude)، کوتای kutāy «پسر بچه». (WIrM II 691 GMS 159, IIFL II 397)

۳۰. گاچه gāče «طویله» (ستوده)

احتمالاً مشتق از ایرانی -gāu-kati* مرکب از *gāu مشتق از gav- «گاو» و *kati- مشتق از ریشه kat- «پوشاندن، مخفی کردن» (قس فارسی کده)؛ پشتو γujal «طویله»

(->gu-kati-*)؛ سُغنی γījīd؛ سَریکلی γījed؛ یزغلامی γogud «طویلہ، اصطبل»
[>gu-kata-]. (EVSh 36)

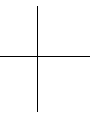
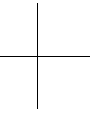
۳۱. گَزگا gozgā «قورباغہ» (ستودہ)
مشتق از ایرانی *vazayā-kā؛ قس اوستایی -vazayā «وزغ»؛ یدغا wuγz•ga.
(AiW 1389, IIFL II 52, 196)

۳۲. گودہ gude «کلوخ، گلولہ برف، چانہ خمیر، غدہ، آماس» (ستودہ)
مشتق از ایرانی *gudaka کہ خود مشتق است از ریشہ gaud-/gud- «گرد بودن، کروی بودن»؛ قس اوستایی -gundā (با میانوند -n-) «چانہ خمیر»؛ فارسی نو گندہ «چانہ خمیر» و شاید گندہ به معنی «بزرگ، تنومند، در مقابل باریک». (AiW 525)

۳۳. لیسک lisk «لیز» (ستودہ) نیز «لوس و نُتر»
مرتبط با فارسی نو لغزیدن (>h)la γz-*) و لیزیدن، صورتی دیگر از لغزیدن (با تحول -līz- <lē z<la γz-؛ قس لُخس (>h)laxš-*)، لُشن (>h)laxš na-*)؛ خراسانی lisk «لخت، عریان»؛ آسی laγz «صاف، مسطح، هموار»؛ پشتو lēsa «رنده»؛ نیز قس فارسی نو لیسہ «رنده»، لیسک «حلزون». (Acta Iranica vol. 29, 118; IIFL II 269, KWA III 396)

۳۴. مِس meš «زنبور عسل» (ستودہ)
احتمالاً مشتق از اوستایی -maxšī «مگس»؛ قس پشتو māšai «پشه»؛ اورموری mašī, miš «مگس»؛ کردی miš. (AiW 1112, EVP 43, KhS 328)

۳۵. نارہ nāre «غرش، آواز بلند»
اشتهاق این لغت دقیقاً معلوم نیست؛ شاید گونه‌ای دیگر باشد از نالہ فارسی و شاید گونه‌ی گیلکی شدہ لغت عربی نعرہ. این احتمال نیز وجود دارد کہ آن را مشتق بدانیم از صورت ایرانی *nāraka- مشتق از ریشہ -nar- «صدا در دادن، آواز سر دادن» کہ در این صورت قابل مقایسہ است با سکایی nārā «غرش، آواز بلند»، -nar- «غریدن»؛ آسی (ایرونی)



näryn، (دیگوری) närun «غریدن، آواز سردادن»؛ (ایرونی) arv-näryn، (دیگوری) arvi-närun «تندر، رعد» فارسی نو ناره؛ از ریشه nar- با افزایه -d- (*nar-d-)، لغات (*nar δ-) nrδ- «نالیدن» در سغدی و ناله در فارسی (با تبدیل -rd- به I) باقی مانده است. قس بلوچی nāray «ناله، آواز». (KhS 174, 180)

۳۶. نُخون noxun سرپوش مخروطی شکل سفالین
 مشتق از ایرانی *ni-humbana- که خود مشتق است از ریشه *hub- با پیشوند ni «پوشاندن»؛ قس فارسی نو نُهتین «سرپوش دیگ و طبق تنور» و نهفتن (>ni-hubta-). (Verbum 200)

۳۷. نیه niye «نم سفالین کوچک برای گرفتن کره از شیر» (مرعشی)
 مشتق از ریشه *nai-/nī- «فشردن، ضربه زدن، گرداندن، کره گرفتن»؛ قس سکایی nīyaka «کره»؛ یدغا niya «دوغاب»؛ یزغلامی nayaǰ «به هم زدن، چرخاندن»؛ نیز قس گیلکی نیره neyre به معنی «نیه» (ستوده)؛ خوانساری nēirā؛ فارسی نو نیره، آئین (>ā-naina-). (WIrM I 373, IIFL II 40, KhS 184, TPS 1955 70)

۳۸. واش vāš گیاه هرز
 مرتبط است با پارتی: wāš «کاه، علوفه» مشتق از اوستایی: vāstra «چراگاه، مرتع»؛ در مورد تحوّل -st(r)- به š قس. گیلکی: خاش «استخوان» و خَش «استخوانی، لاغر» > اوستایی: ast- «استخوان» با x- آغازی غیر اشتقاقی. (Acta Iranica vol.29 166)

۳۹. وز vaz «چربی» (ستوده)
 مرتبط با اوستایی vazdvar «استواری، استقامت»؛ قس پشتو wāzda؛ شُغنی: wūzd، waz «چربی، روغن»؛ پراچی γāzd؛ یدغا wāzd؛ کردی baz؛ فارسی نو وُزد. (AiW 1391, EVP 95-6, IIFL I 258 II 264)

۴۰. ویریس viris «طنابی که از ساقۀ برنج بافند» (ستوده)
 مشتق از ایرانی *vi-raisa- مرکب از پیشوند vi و جز دوم مشتق از ریشه *rais- «رشتن،

تاب دادن؛ قس فارسی نو رسیدن، ابریشم (<upa-raisama>).
 (KWA III 167-8, KhS 363)

منابع

- AiW BARTHOLOMAE, Ch., *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg 1904 (1979).
 Chw. WIn BENZING, J., *Chwaresmisches Wortindex*, Wiesbaden 1983.
 CPD MACKENZIE, D.N., *A Concise Pahlavi Dictionary*, London 1971.
 ELP GHILAIN, A., *Essai sur la langue parthe*, Louvain 1939 (1966).
 EVP MORGENSTIERNE, G., *An Etymological Vocabulary of Pashto*, Oslo 1927.
 EVSh MORGENSTIERNE, G., *Etymological Vocabulary of the Shughni Group*, Wiesbaden 1974.
 GMS GERSHEVITCH, I., *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford 1961.
 GNE HORN, P., *Grundriss der neupersischen Etymologie*, Strassburg 1893.
 IEO ABAEV, V.I., *Istoriko-etymologicheskii Slovar Osetinskogo Yazyka*, Leningrad 1973.
 IIFL MORGENSTIERNE, G., *Indo-Iranian Frontier Languages*, vols. I, II, Oslo 1973.
 Ir.Dr. MORGENSTIERNE, G., *Irano-Dardica*, Wiesbaden 1973.
 JA *Journal Asiatique*.
 JRAS *Journal of the Royal Asiatic Society*.
 KhS BAILEY, H. W., *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge 1977.
 KWA MAYRHOFFER, M., *Kurzgefasstes etymologisches Wörterbuch des Altindischen*, 4 Bände, Heidelberg 1980.
 Man.Phil NYBERG, H.S., *A Manual of Pahlavi*, Part II, Wiesbaden 1964.
 SGS EMMERICK, R.E., *Saka Grammatical Studies*, London 1968.
 TPS *Transactions of the Philological Society*.
 Verbum HENNING, W.B., «Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragmente», in *Acta Iranica*, vol. 14 (1977).
 WIrM EILERS, W., *Westiranische Mundarten*, 4 Bände, Wiesbaden und Stuttgart 1979 bis 1988.
 ZDMG *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*.

